

بسم الله الرحمن الرحيم

راه گریز کجاست!؟

(ترجمه)

زمین با تمام وسعت‌اش بر روی انسان تنگ شده و انواع مخاطر مُهلک انسان را محاصره نموده است؛ تو گویی در بین زمینی که از "ماین" فرش شده‌است، قدم بر می‌داری و در حالی که از برخورد با یک ماین جان به سلامت برده‌است، تشویش دارد که با آن دیگری برخورد نکند.

در یک پژوهش راجع به حالات "مرگ‌ومیر" انسان که با یک گراف نمودار بسیار بزرگ نشان داده شده است، عواملی که در مرگ انسان نقش داشته‌اند را نمایش می‌دهد؛ مثلاً "کوسه" کم‌ترین تعداد از حالات قتل بشر را به‌نام خود ثبت کرده است و گراف نسبت به حیوان درنده‌ی کشنده‌تر صعود کرده تا این که به خزندگان دریائی و حشرات سمی می‌رسد و کم کم گراف مرگ، صعود کرده و با در نظر داشت قاتل و تعداد قربانیان‌اش رنگ آن تغییر می‌کند، تا این که تمام صفحه رنگ سرخ به‌خود می‌گیرد که دلالت بر حجم قتل و خطرناکی قاتل دارد و اسم قاتل نیز در بین خط سرخ در میانه‌ی مساحت بزرگ ظاهر می‌شود... انسان! بلی انسان سالانه 475 هزار تن را می‌کشد و بر این تعداد هیچ کدام از حیوانات دیگر سبقت نگرفته‌اند، به استثنای پشه که توسط آن سالانه 725 تن کشته می‌شوند.

این پژوهش، فقط منحصر به کشتار مستقیم فردی است، در غیر این صورت انسان با انواع کشتار غیر مستقیمی که به علت فاصله گرفتن از نظام صحیحی که پروردگارش برایش نازل نموده جای‌گاه نخست را به‌خود اختصاص می‌دهد، انسان به‌جای این که به این قول پروردگار خویش لبیک گوید:

﴿... فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ {طه: 123}

ترجمه: هرگاه هدایت و رهنمود من برای شما آمد، هرکه از هدایت و رهنمودم پیروی کند، گمراه و بدبخت نخواهد شد.

انسان با عدم پیروی نمودن از فرامین آسمانی، خودش را قاتل خویش نموده است؛ چنان‌چه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ {طه: 124}

ترجمه: هرکه از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتاب‌های آسمانی دوری‌گزیند)، زندگی تنگ (و سخت و گرفته‌ای) خواهد

داشت؛ (چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت)!

هرچند از متاع دنیا بهره‌مند باشد، باز هم در واقع حال‌اش آن‌چنان خواهد بود که آیه مبارکه به تصویر کشیده است. برای مسلمان و غیر مسلمان هیچ‌راه نجاتی از شرارت‌های این شر فراگیر که زمین را در بر گرفته وجود ندارد، مگر این که به قضای الله سبحانه و تعالی تسلیم شود.

همه به نظام و قوانینی تن دادند که کشورهای سکولاریزم آن‌ها را وضع نموده و نظامی را تطبیق می‌کنند که هیچ ارتباطی به وحی الهی ندارد و در پس هر قانون و تصمیمی که اتخاذ می‌گردد، هوای نفس کسانی است که در واقع خود را به جای الله سبحانه و تعالی قرار داده و قانون وضع نموده اند.

مصیبت بزرگ این است که نظام سرمایه‌داری، نظامی که جهان به اشکال مختلف به آتش‌اش می‌سوزد، تمام تمرکز خویش را به مصلحت و منفعت سرمایه‌داری مبذول داشته و آن‌را بر تمام ارزش‌های انسانی بر کسانی که زیر چتر این نظام زندگی می‌کنند، ترجیح می‌دهد. به همین دلیل، کشوری را می‌یابید که جنبه اقتصادی "گردش‌گری" را هزاران بار بیش‌تر اهمیت می‌دهد از این که گسترش وبای بسیار کشنده را اعلام کند. هم‌چنان کشوری را می‌یابیم که به صنعت و صادرات پرداخته و مهم‌ترین فکر و سیاست‌اش بر محور این است که چگونه از زیان اقتصادی خود را نجات دهد، بدون این که کوچک‌ترین توجهی به زیان‌های جانی انسان‌ها داشته باشد و نیز دولتی را می‌یابید که در آن طغیان‌گر دیکتاتور ظالم، توسط دسته‌های جانی خود حکومت می‌کند و حکومت قبل از این که مردم را هشدار داده و بحران را تصریح بدارد، منتظر فرمان دیکتاتور است؛ زیرا مهم‌تر از همه، صحت و راحت دیکتاتور در اولویت قرار دارد!

چین برای ماه‌ها در به‌کارگیری اجراءات جدی برای قرنطینه کردن ویروس جدید "کورونا" متردد بود و به سرعت تمام گسترش یافت تا این که وبایی شد که تمام بشریت را در تمام جهان نگران کرده است؛ حتی به‌خاطر عدم اعتماد مردم به نظام و دست‌اندرکاران نظام، مردم به رهنمودهای آن توجهی نکردند و قبل از این که شهر "ووهان" چین قرنطینه گردد، هزاران نفر این شهر را ترک کردند؛ این در حالی بود که وجود این ویروس را پنج ساعت قبل از قرنطینه کردن، اعلام کرده بودند!

اما در کشورهای ما که حاکم و محکوم هم‌دیگر را نفرین می‌کنند، نه از مراقبت‌های پزشکی، نه از شفافیت در مورد رسیدگی به قضایا و نه هم اعتماد موجود است، تا جایی که نزد مردم تجارب زیادی از ناکارایی حکام مزدور در حل مشاغل انباشته شده است؛ حل هر قضیه‌ای که برای مسلمانان و غیر مسلمانان مهم بوده است. وضعیت ما به مراتب خطرناک‌تر از کشور بزرگی مثل چین است. مردم در سرزمین‌های اسلامی بدون رهبری تصمیم می‌گیرند که چه کنند؛ چون رهبران نظام‌های موجود برای خودنمایی، شهرت و به‌طور نمایشی برخی از کارها را انجام می‌دهند که در واقع تھی از مراقبت‌های پزشکی است. یا هم هدف‌شان بدست آوردن کمک و مساعدت‌ها است؛ آن‌هم در نهایت صرف خودشان، هواداران‌شان و ثروتمندانی که از آن‌ها "حکام" اعلام رضایت کرده اند؛ کارهای بنیادی مثل به‌اجراء گذاشتن قرنطینه.

در غیاب نگهبان و خلیفه‌ای که امت را با اسلام رهبری کرده و تمام تلاش خود را به‌خرج دهد تا خطرهای روزگار را از امت دفع کند، امت به‌شکل مستقیم به پروردگار خویش پناه آورده است و دستان زاری و تضرع را به‌طرف الله سبحانه و تعالی به‌خاطر برطرف کردن

این خطر فراگیر بالا کرده است. فراخوانی از طریق شبکه‌های اجتماعی رد و بدل می‌شد که از مسلمانان می‌خواست تا در زمانی واحد یعنی روز سه شنبه 3 مارچ در تمام جهان مسلمانان نماز گذارده و هم‌زمان دعا کنند که الله سبحانه و تعالی وبای "کرونا" را از زمین برچیند.

این دعوت هرچند که تلاشی برای جمع کردن مسلمانان به عملی مندوب "نماز حاجت" بود و معانی چون وسعت امت و زیر سوال بردن مرزهای خونین استعماری داشت؛ مگر با آن هم دعوتی با روحیه‌ای ناامیدی بود که ناشی از احساس خطر قریب الوقوع است؛ چون نه تنها حاکمی نداشتند تا امورشان را سرپرستی کند؛ حتی حاکمی ندارند که تصور رعایت امورشان در سایه سرمایه‌داری، عقیده‌ی سکولاریزم و قوانین کفری برخواسته از آن از وی انتظار برود؛ چون ایشان در تبعیت کورکورانه از حکام غرب استعمارگر با توپ و تانک سکولاریزم را بالای مردم تحمیل می‌کنند.

درین جاست که باید فراخوانی از گذاردن نماز موحد را از خواست‌گاه احساساتی محض به خواست‌گاه فکری آن انتقال دهیم و باید هر مسلمان از خود بپرسد که: چرا به راه‌هایی پناه ببریم که دشمنان ما و مزدوران‌شان از حکام ما، برای ما تدارک دیدند و فهمیده و نفهمیده بر این دسیسه‌ها سکوت اختیار نموده که در نهایت منجر می‌شود تا در روی کرد روی‌گردانی‌شان از ذکر الله سبحانه و تعالی مستمر بمانند؟!!

شایان ذکر است که از سرّ بازتاب صفحات مطبوعاتی شان بپرسیم؛ مطبوعاتی که کورتر از دجال است. چند روز قبل یکی از رسانه‌ها پس از ادای نماز صبح، برای آزادسازی مسجدالاقصی دعا می‌نمود؛ این در حالی‌ست که چشم این صفحات کور است تا تظاهراتی را پوشش دهند که خواهان بسیج شدن اردوهای مسلمانان برای آزادسازی مسجدالاقصی است؛ هم‌چنان که پروردگار امر نموده است!

غرب کافر استعمارگر _ بزرگ‌ترین دشمن مسلمانان _ به خوبی می‌داند که اقصی را فقط اردوی مسلمانان می‌تواند آزاد سازد و نیز این را می‌داند که هر فراخوانی برای فهم این موضوع منجر به آزادی مسلمانان و در نهایت تطبیق اسلام خواهد شد.

این فهمی که حزب التحریر حامل آن بوده و امت را به آن رهنمایی می‌کند، دشمنان امت افکار و مفاهیم اشتباه زیادی را بر آن حایل قرار دادند و تا حدودی هم توانستند آن را بپوشانند؛ هرچند به لباس فراخواندن به نماز فرض یا نفل پوشانده شود و حتی ممکن است تشویق به مشارکت در کلیساها و معابد کنند تا دین جدیدی را به نام "دین انسانیت" تأسیس کنند؛ تا بدین ترتیب امت را از راه‌حل اساسی و اتخاذ تصمیم سرنوشت‌ساز که خلع حکام خائن و بیرون راندن استعمار است، اغوا کنند. این همه به خاطر ترس از این است که امت یک‌بار دیگر قدرت و تصمیم سلب شده‌ای خود را پس بگیرد و از بین خود، مردی را انتخاب کند تا در بین‌شان به آن چه الله سبحانه و تعالی نازل نموده است، حکم کند؛ البته در سایه‌ی دولتی که امر امت را رعایت نموده و دولتی که الله سبحانه و تعالی به آن امر نموده و رسول وی صلی‌الله‌علیه و سلم بشارت آن امر پایان دادن به حکومت جبری را و بازگرداندن آن به شکل اولی آن را داده است؛ خلافت راشده بر منهج نبوت که امور جهان را رعایت خواهد کرد.

ای امت اسلام! راه را با بازگرداندن حکومت اسلامی و ازسرگیری زندگی اسلامی کوتاه‌تر کنیم؛ فراخوان‌های این طرف و آن طرف ما را مشغول نسازد تا این که از تداوی اصل مریضی که همانا نبود حکم به آن چه الله سبحانه و تعالی نازل کرده است، باز بمانیم؛ چون این اصل مرض و اصل تداوی است. آیا برای مسلمانان هلاکتی مهلک‌تر از روی گردانی شان از یاد الله سبحانه و تعالی در حکم نمودن به کتاب وی و سنت رسول اش وجود دارد؟!

باید عقول به آیات الله سبحانه و تعالی ملتفت شود تا دولت‌اش باز گردد و قلوب در مورد تنگ شدن زندگی بر ما که زیاد هم به طول انجامید، ملتفت شود و دعوت‌های خویش را به ازسرگیری حکم نمودن به آن چه الله سبحانه و تعالی نازل نموده است، تعالی بخشیم تا مصداق آیت شریفه‌ی زیر قرار گرفته و امر وی سبحانه و تعالی را اطاعت و تصدیق کرده باشیم؛ چنان چه وی سبحانه و تعالی در کتاب راستین خویش چنین می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ * وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمُ الْوَأْسَلُ أَعْمَالُهُمْ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطُ أَعْمَالَهُمْ * أَقَلَّمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا * ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾ [محمد: 7-11]

ترجمه: ای مؤمنان! اگر (دین الله سبحانه و تعالی) را یاری کنید، الله شما را یاری می‌کند (و بر دشمنان‌تان پیروز می‌گرداند) و گام‌های‌تان را استوار می‌دارد (و کار و بارتان را استقرار می‌بخشد)! کافران، مرگ بر آنان باد، و الله اعمال (نیک) ایشان را باطل و بیسود گرداند! این بدان خاطر است که چیزی را که الله فرو فرستاده است دوست نمی‌دارند و لذا الله کارهای (نیک) ایشان را هم باطل و بیسود می‌گرداند. آیا در زمین به گشت و گذار نپرداخته‌اند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از ایشان بوده‌اند به کجا کشیده و چه شده است؟ الله آنان را نابود ساخته است (و دمار از روزگارشان را بدر آورده است) و برای کافران امثال این عواقب و مجازات‌ها خواهد بود. این (عاقبت نیک مؤمنان و عاقبت سوء کافران) بدان خاطر است که الله (سبحانه و تعالی) سرپرست و یاور مؤمنان است، ولیکن کافران هیچ‌گونه سرپرست و یآوری ندارند.

نویسنده: جمال علی-مصر

مترجم: اسماعیل نصرت